

فصلنامه علمی-پژوهشی **ره‌یافت**

سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۵
صفحه ۶۷ تا ۸۶

بررسی سازه‌انگارانه و نئورئالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه (۲۰۱۵-۱۹۷۹)

فرهاد درویشی سه تلانی / دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

Farhaddarvishi222@yahoo.com

حامد فیاضی / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

روابط راهبردی ایران و سوریه در سه دهه گذشته مصداق یکی از دیرپاترین اتحادها در منطقه خاورمیانه بوده است. ریشه‌های این روابط راهبردی را می‌توان در تغییرگفتمان نظام ایران ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد سازه‌های ارزشی جدید از یک طرف و تهدیدات مشترک این دو بازیگر در منطقه از طرف دیگر جستجو کرد، موضوعی که به‌ویژه در بحران اخیر سوریه نمود و بروز بیشتری یافت. از این رو، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از یک چارچوبی توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که چه عواملی در شکل‌گیری و تداوم روابط راهبردی این دو کشور طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران تا وقوع بحران سوریه به عنوان دو نقطه عطف بنیادین در تاریخ سیاسی منطقه خاورمیانه مؤثر بوده است؟ در این مقاله مناسب‌ترین نظریه‌هایی که قابلیت تبیین اتحاد پیچیده و راهبردی میان ایران و سوریه داشته‌اند، شناسایی شده و در میان آنها از دو نظریه سازه‌انگاری و نئورئالیسم استفن والت برای تبیین روابط راهبردی دو کشور بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در بین نظریات موجود در روابط بین‌الملل، بهترین مدل تبیینی برای بررسی منافع راهبردی مشترک ایران و سوریه در سال‌های مورد مطالعه، ترکیب دو نظریه سازه‌انگاری و نئورئالیسم استفن والت می‌باشد.

کلیدواژه: روابط راهبردی، ایران، سوریه، سازه‌انگاری، تهدیدات مشترک.

تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۴/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۲۷

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث در مطالعات روابط بین‌الملل، بررسی علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم روابط بین کشورها است در تاریخ روابط بین‌الملل موارد زیادی را می‌توان یافت که تهدیدات مشترک، نقش زیادی در شکل‌گیری روابط، تشکیل اتحادها و تداوم آن‌ها داشته‌اند. روابط ایران و سوریه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از آن نوع مناسبات در خاورمیانه می‌باشد (شهمرادی، ۱۳۹۰) که می‌توان نقش دشمنان مشترک را در گسترش و تحکیم آن به وضوح مشاهده کرد و از طرف دیگر، ماهیت اسلامی انقلاب ۱۳۵۷، تشکیل جمهوری اسلامی و تدوین اصول جدید قانون اساسی منجر به تغییر در مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی ایران شده و تجدید نظر در روابط با سایر کشورها به خصوص سوریه را در پی داشت.

جمهوری اسلامی ایران و سوریه در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارای منافع مشترکی هستند و همکاری سیاسی و نظامی با یکدیگر داشته و دارند. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی اهمیت مضاعف پیدا کرده است، که واکاوی و تبیین این اهمیت به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ضروری است (فرزندی، ۹۱).

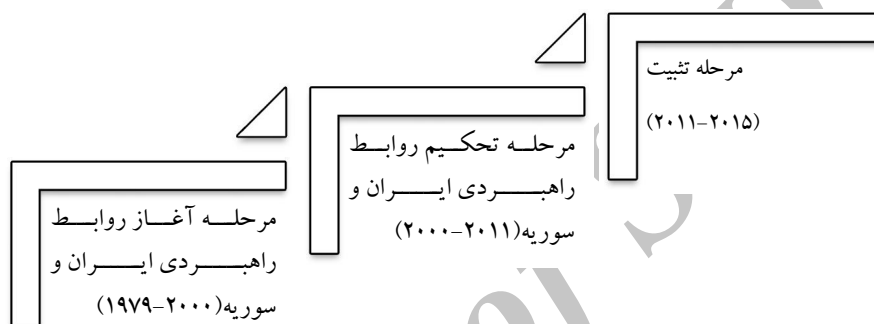
پژوهش حاضر ائتلاف راهبردی ایران و سوریه را در سه دوره مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد:

دوره اول، که نمود و جرقه اصلی روابط راهبردی ایران و سوریه را تشکیل می‌دهد، با ویژگی‌های منحصر به فردی قابل تبیین و بررسی است. دورانی که نقطه استراتژیک آن با پیروزی انقلاب اسلامی از یک طرف که با ایجاد سازه‌های ارزشی جدید شکل یافته و الگوهای دوستی و دشمنی جدید بر اساس همین انگاره شکل می‌گیرد و از طرف دیگر، طرح این هویت جدید و تغییرات گفتمانی مبدأ روابط راهبردی بین ایران و سوریه را شکل می‌دهد که دوران حافظ اسد و جنگ تحمیلی می‌توان نمود عینی آن را پیدا کرد.

دوره بعد، دوره تحکیم روابط راهبردی دو کشور است، دوره‌ای که بشار اسد پا به عرصه سیاست در منطقه راهبردی خاورمیانه گذاشته است، که در این دوره به‌ویژه تهدیدات مشترک از طرف آمریکا و اسرائیل و نامگذاری این دو کشور به عنوان محور شرارت جنبه عینی بیشتری در جهت تحکیم روابط راهبردی دو کشور داشته است.

دوره سوم و مرحله تثبیت روابط راهبردی بین دو کشور که اشاره به تحولات اخیر سوریه دارد که در جهت از بین بردن محور مقاومت که سوریه اولین خاکریز این محور راهبردی است و دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که تهدیدات و دشمنی مشترک همراه با نوع نگاه معنا گرایانه نظام جمهوری اسلامی ایران باعث تثبیت این روند شده است. سیر تاریخی تحول در روابط ایران و سوریه در شکل ذیل آمده است:

شکل ۱. سیر تاریخی تحول در روابط ایران و سوریه



بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، گرچه در زمینه روابط راهبردی ایران و سوریه تعداد محدودی اثر وجود دارد اما اثری که خصوصاً این روابط را از منظری تئوریک مورد بحث و بررسی قرار داده باشد، تا به حال به رشته تحریر در نیامده است. البته مواردی متعددی نیز به صورت کلی و تحت عنوان سوریه و سیاست و حکومت در آن وجود دارد که در قالب پایان‌نامه، همایش‌ها و مجموعه سخنرانی‌ها نگاشته شده‌اند. این منابع را به پنج دسته کلی می‌توان تقسیم بندی کرد:

دسته اول؛ منابعی هستند که در خصوص سیاست و حکومت در سوریه و به بحث‌های تئوریک در حوزه روابط بین‌الملل به رشته تحریر درآمده‌اند، مثل کتاب سیاست و حکومت در سوریه نوشته محمدعلی امامی (۱۳۷۶) یا کتاب سبز وزارت امور خارجه (۱۳۸۴)، که به بررسی ساختارهای اقتصادی، نظامی و امنیتی سوریه پرداخته‌اند، که یک دید کلی درباره مبانی ساختارهای سیاسی سوریه و گزارشی تفصیلی درباره جمهوری عربی در اختیار پژوهشگر گذاشته است. یا کتاب نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل نوشته سید حسین سیف‌زاده (۱۳۸۴) و یا در کتاب دیگری تحت عنوان روابط بین‌الملل (نظریه و رویکردها) نوشته عبدالعلی قوام (۱۳۸۸) به بررسی نظریه‌های مختلف در حوزه روابط

بین‌الملل پرداخته شده، که در بخش نظریات تئوریک این مقاله می‌توان از این منابع بهره جست.

دسته دوم منابع شامل برخی مقالات فارسی است که در ارتباط با این موضوع به نگارش درآمده‌اند، از جمله مقاله ایزدی (۱۳۸۹) «تحت عنوان برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی و سوریه، هم‌گرایی یا گسست» که در بخشی از این مقاله به مناسبات راهبردی ایران و سوریه پرداخته شده و با رویکردی تحلیلی به بررسی اتحاد ایران و سوریه پرداخته شده و بیشتر دهه سوم مناسبات راهبردی ایران و سوریه مورد بررسی قرار داده است. در مقاله دیگری تحت عنوان «عوامل گسترش روابط استراتژیک سوریه با ایران از صعود بشار اسد به قدرت تا ناآرامی‌های اخیر» نوشته سید امیر نیاکوئی (۱۳۹۳) به اتحاد استراتژیک ایران با سوریه در بحران‌های اخیر پرداخته و در صدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که چرا روابط استراتژیک سوریه با ایران در زمان بشار اسد نسبت به دوره حافظ اسد عمق و گستردگی بیشتری یافته است. یا در مقاله‌ای تحت عنوان «چیستی و چگونگی سیاست خارجی مقایسه‌ای: مطالعه موردی روابط ایران و سوریه» نوشته علی امیدی (۱۳۸۷) اشاره کرد که در آن، نویسنده عوامل مؤثر در برقراری روابط نزدیک سوریه با ایران را براساس مدل جیمز روزنا، متغیرهای نظام بین‌الملل و عامل شخصیت داشته است. همانطور که اشاره شد هیچکدام از این آثار دوره زمانی مورد بحث این مقاله را شامل نمی‌شوند.

دسته سوم آثاری هستند که به زبان لاتین نگاشته شده‌اند این آثار را می‌توان به پنج دسته فرعی تقسیم بندی کرد؛ دسته اول سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه پس از یازده سپتامبر، به ویژه حمله این کشور به عراق در سال ۲۰۰۳ را در گسترش بیشتر روابط سوریه با ایران مؤثر می‌دانند (Goodarzi, 2006). دسته دوم، معتقدند عامل تقویت و گسترش روزافزون روابط سوریه با ایران، فشار آمریکا و فرانسه به سوریه بر سر موضوع لبنان است (Ziadeh, 2011). دسته سوم معتقدند تقویت و گسترش روزافزون روابط سوریه با ایران نه از سال ۲۰۰۱ بلکه با اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ و سپس افزایش فشارهای بین‌المللی برای خروج سربازان سوری از لبنان شروع شده است (Gelbart, 2010). دسته چهارم گسترش بیشتر روابط سوریه با ایران را علاوه بر پیامدهای ترور حریری نخست وزیر سابق لبنان تشدید خطر اسرائیل علیه سوریه می‌دانند (Sun, 2009). در نهایت دسته پنجم معتقدند عامل گسترش بیشتر روابط سوریه با ایران شخصیت بشار اسد است از نظر این افراد دیدگاه‌ها و

رفتارهای بشاراسد نقش بسیار مهمی در گسترش روابط سوریه با ایران داشته است (Rubin, 2007).

دسته چهارم از ادبیات پژوهشی شامل پایان نامه هستند که در این حیطه نوشته شده‌اند، به طور مثال یکی از آن‌ها با عنوان روابط ایران و سوریه (۱۹۷۹-۲۰۰۰) توسط خانم مریم چاوشی با راهنمایی دکتر اصغر جعفری ولدانی در سال ۱۳۸۲ دفاع شده است و در آن به موضوعات به صورت کلی اشاره شده و به نقش عوامل مؤثر در روابط راهبردی دو کشور پرداخته نشده است.

دسته پنجم برخی گزارشات خبری و تحلیلی هستند که توسط خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ایرانی و خارجی به این موضوع پرداخته‌اند که وجه غالبشان ژورنالیستی و جانبدارانه بودن آن‌ها می‌باشد.

به طور کلی این پژوهش در صدد تبیین این نکته اساسی است که پیروزی انقلاب اسلامی با ایجاد سازه‌های ارزشی جدید همچون، تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن، مبارزه با نظام سلطه، فضای ذهنی مشترکی را بین مردم شکل می‌دهد و الگوی دوستی و دشمنی جدید بر اساس این انگاره‌ها ذهنی شکل می‌دهد و وجه عینی کار به دلیل اینکه در نظریه نوواقع‌گرایی تدافعی استفان والت به تهدیدات مشترک به عنوان مهم‌ترین شاخص نظریه توجه می‌شود، به عنوان مکملی در کنار نظریه سازه‌انگاری برای تبیین روابط راهبردی ایران و سوریه مورد استفاده قرار می‌گیرد که به نوعی تکامل بخش تحقیقات دیگر است.

۱- چارچوب نظری

کشورها در سطح نظام بین‌الملل همواره تلاش می‌کنند تا اهداف و منافع راهبردی خویش را به شیوه‌های مختلفی تأمین کنند. نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل همواره کوشیده‌اند تا به تبیین و درک درستی از این رفتار کشورها دست یابند. روابط راهبردی ج.ا.ایران و سوریه را نیز می‌توان از منظر هر کدام از نظریات موجود روابط بین‌الملل مورد مذاقه قرار داد و به نتایجی دست یافت اما از آنجا که بعد هویتی انقلاب اسلامی و سیاست‌های برگرفته از این انقلاب معنامحور، در کنار استراتژی اتحاد و ائتلاف برای دفع تهدیدات، عناصر اصلی تشکیل دهنده روابط راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه در دوره‌های مختلف بوده‌اند، در این مقاله کوشش می‌شود تا با طراحی یک مدل ترکیبی از دو نظریه سازه‌انگاری و نوواقع‌گرایی، استنتاجات منطقی تری را از روابط و منافع راهبردی